

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرالزمان جلسه ۲۰، دولت ابدی، مجازات ابدی بهشت جدید و زمین جدید

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس خود در مورد آموزه‌های کلیسا و امور آخر. این جلسه ۲۰ وضعیت ابدی، مجازات ابدی، بهشت جدید و زمین جدید است.

پدر مهربان، ما از شما برای کلام مقدس شما سپاسگزاریم. ما از شما سپاسگزاریم که همان روح القدس را به ما عطا کردید که کلام شما را از طریق پیامبران و رسولان قدیم نوشت. ما را در حین مطالعه روشن کن، ما را در حقیقت خود هدایت کن و ما نام مقدس شما را از طریق عیسی مسیح، پروردگار ما، ستایش می‌کنیم. آمین.

ما دوره خود را در مورد کلیساشناسی و آخرت‌شناسی، آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان با معرفی مجدد وضعیت ابدی به طور خلاصه به پایان می‌رسانیم. مجازات ابدی وضعیت نهایی است، نه وضعیت میانی. مالک جهنم خداست و نه هیچ کس دیگر.

توصیفی از جهنم. حداقل پنج تصویر برجسته از عهد جدید وجود دارد که برخی از آنها پیشینه عهد عتیق دارند. تاریکی و جدایی، آتش، گریه و دندان قروچه، مجازات و مرگ و نابودی.

در حالی که با این موارد کار می‌کنم، قصد ندارم درباره کثرت‌گرایی، این دیدگاه که همه نجات یافته‌اند، یا حتی فرصتی پس از مرگ صحبت کنم. من از اینکه این دیدگاه در میان متکلمان انجیلی و محققان کتاب مقدس رو به افزایش است، ابراز تأسف می‌کنم. من آیات دشوار اول پطرس ۳ و سپس فصل ۴ را که به آن اشاره می‌کند می‌پذیرم، اما افسوس.

چطور چنین چیزی می‌تواند اساس یک الهیات کامل باشد؟ این فقط مرا غمگین می‌کند. نه، هیچ شانس پس از مرگ وجود ندارد. عیسی دو بار در یوحنا ۸ می‌گوید، اگر باور نکنید که من او هستم، در گناهان خود خواهید مرد. می‌گوید یک بار در گناه خود خواهید مرد. می‌گوید یک بار.

آیا پس از مرگ فرصتی وجود دارد؟ قدرتمندترین آیه، عبرانیان ۹:۲۷ است. همانطور که برای انسان یک بار مردن و پس از آن داوری مقرر شده است، مسیح نیز که یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را بر دوش کشد. بار دیگر ظاهر خواهد شد، نه برای مقابله با گناه، بلکه برای نجات کسانی که مشتاقانه منتظر او هستند. برای مردم مقرر شده است که یک بار بمیرند و پس از آن داوری فرا می‌رسد، نه فرصتی برای نجات.

فرصت رستگاری فقط در این زندگی است. اما من با نابودی‌گرایی یا مشروط‌گرایی سروکار خواهم داشت. این دیدگاه است و من بهترین دیدگاه، بهترین دیدگاه انجیلی را ارائه خواهم داد، زیرا برخی از مسیحیان انجیلی این را دارند و تعداد آنها در حال افزایش است زیرا آنها جهنم ابدی را دوست ندارند.

خب، پسندها و ناپسندها ما نمی‌توانند معیار ما برای تعیین آموزه‌های درست و کتاب مقدسی باشند. این آموزه‌ها باید تنها کتاب مقدس باشند، نه عقل، سنت، تجربه یا پسندها و ناپسندها ما. عهد جدید حداقل پنج تصویر از جهنم، جهنم، تاریکی و جدایی از خدا را ترسیم می‌کند.

من قصد دارم به قسمت‌هایی اشاره کنم و به صورت گزینشی به برخی از قسمت‌های عالی و بسیار مهم بپردازم. من به متی ۸:۱۲، متی ۲۵:۳۰ و یهوذا ۱۳ اشاره خواهم کرد. متی ۸:۱۲، متی ۲۵:۳۰، یهوذا ۱۳

من قصد دارم به دو مورد بپردازم، یکی در انجیل‌ها و یکی در نامه‌های پولس. متی ۲۲:۱۳، تمثیل ضیافت تمثیل جشن عروسی. پادشاهی آسمان را می‌توان با پادشاهی مقایسه کرد که برای پسرش جشن عروسی گرفت و دعوت‌نامه فرستاد، اما آنها نیامدند.

به آنها بگو چه غذای خوشمزه‌ای درست کردم، اما آنها باز هم نیامدند. پادشاه خشمگین سربازانی را اعزام می‌کند و شهر را ویران می‌کند. بنابراین، به جاده‌های اصلی برو و تا جایی که می‌توانی مردم را به جشن عروسی دعوت کن و این یک پیشنهاد رایگان است.

آن خدمتکاران به کوچه‌ها رفتند و هر که را یافتند، چه بد و چه خوب، با خود آوردند، به طوری که تالار عروسی از مهمانان پر شد. اما وقتی پادشاه برای دیدن مهمانان وارد شد، مردی را دید که جامه عروسی بر تن نداشت. «ای دوست، چطور بدون جامه عروسی به اینجا آمدی؟» «مرد زبانش بند آمد

پادشاه گفت، او را دست و پا ببندید و به تاریکی بیرونی بیندازید. در آن مکان، گریه و دندان بر هم ساییدن خواهد بود، زیرا بسیاری فراخوانده می‌شوند، اما برگزیدگان کم. او را به تاریکی بیرونی بیندازید

می‌گوید، در آن مکان، که اشکالی ندارد، گریه و دندان قروچه خواهد بود. آنها می‌خواهند از دو ESV، در آنجا سه تایی شدن پشت سر هم جلوگیری کنند. جایی که گریه و دندان قروچه خواهد بود

به گریه و دندان قروچه برمی‌گردیم، اما فعلاً تاریکی بیرونی را باید در پرتو جشن تفسیر کرد. حضور در جشن از عشق، رفاقت، شادی، ارتباط با یکدیگر و سهیم شدن سخن می‌گوید. پرتاب شدن به تاریکی بیرونی، نقطه مقابل همه اینهاست.

به معنای بریده شدن از عشق، شادی، آرامش و بخشش است. به معنای طرد شدن توسط خالق خود است، سرنوشتی واقعاً وحشتناک. عیسی هر بار از کلمه جهنم استفاده می‌کند، اما یک بار در یعقوب سوم ظاهر می‌شود، جایی که زبانی که گفته می‌شود توسط جهنم، جهنم، به آتش کشیده می‌شود.

هر بار که از زبان عیسی می‌شنوم، او بزرگترین واعظ جهنم در کتاب مقدس است. من با احترام صحبت می‌کنم. او یک واعظ ترسان است.

او به اصطلاح جنگ را موعظه می‌کند. ناجی جهان مردم را در مورد جهنم هشدار می‌دهد. دوم تسالونیکیان ۱. پولس از جهنم استفاده نمی‌کند.

او از خشم و مرگ و عباراتی از این قبیل استفاده می‌کند. رومیان ۲ او کمی از این عبارات دارد. دوم تسالونیکیان همان جایی است که پولس می‌گوید ۱

او درباره مسیحیان تحت آزار و اذیت می‌نویسد. او به آنها می‌گوید که خدا قرار است به مسیحیان تحت آزار و اذیت آرامش ببخشد. من می‌خواهم از رساله دوم تسالونیکیان، باب اول تا پنجم و به بعد را بخوانم

این گواه پایداری آنها در حین تحمل آزار و اذیت و رنج است. این گواه داوری عادلانه خداست تا شما شایسته پادشاهی خدا شوید که برای آن نیز رنج می‌کشید. در واقع، خدا پاداش دادن به کسانی را که به مصیبت گرفتارند، عادلانه می‌داند.

آمدن دوم مسیح شامل داوری و برکت، لعنت‌های عهد، برکات عهد، محکومیت، نجات و تسکین برای شما که رنج می‌کشید و همچنین برای ما است. هنگامی که خداوند عیسی از آسمان با فرشتگان قدرتمند خود در آتش شعله‌ور، اه، انتقام‌گیرنده، آشکار می‌شود. این همان چیزی است که ما آن را عدالت تلافی‌جویانه می‌نامیم.

خداوند کسانی را که مشقت خود را به سوی او نشانه گرفته‌اند، مجازات می‌کند. انتقام کسانی را که خدا را نمی‌شناسند و از انجیل خداوند ما عیسی مسیح اطاعت نمی‌کنند، می‌گیرد. به نظر می‌رسد که هر دوی آنها از یک گروه صحبت می‌کنند.

آنها عذاب هلاکت ابدی را متحمل خواهند شد. آن مربوط به تصویر پنجم است، اما این مربوط به تصویر اول جهنم است. دور از حضور خداوند و از جلال قدرت او، هنگامی که در آن روز می‌آید تا در مقدسین خود جلال یابد و در میان همه کسانی که ایمان آورده‌اند، شگفت‌زده شود.

من به بحث تخریب برمی‌گردم. من به عدالت تلافی‌جویانه اشاره کردم. این موضوع به شکل دیگری هم اینجا مطرح است.

او با پاسخی دیگر پاسخ خواهد داد. خداوند کسانی را که شما را به مصیبت دچار کرده‌اند، مجازات خواهد کرد. اینکه بدی را تلافی کنیم، عدالت تلافی‌جویانه است.

این عدالت جبرانی نیست. آه، خیلی‌ها به جهنم می‌روند، اما خدا آنها را جبران می‌کند و آنها از آنجا بیرون می‌آیند. این در کتاب مقدس تعلیم داده نشده است.

مفهوم برزخ در کاتولیک رومی، تطهیر گناهان کسانی است که پس از مرگ، واجد شرایط ورود فوری به بهشت نشده‌اند. که اساساً شامل همه به جز به اصطلاح قدیسان می‌شود. آنها به مکانی به نام برزخ می‌روند و گناهان خود را پاک می‌کنند.

واتیکان ۲ می‌گوید که آنها در برزخ کفار گناهان خود را می‌دهند. آه، فقط سرم را تکان می‌دهم. اصلاح‌طلبان درست می‌گفتند.

این، مانند عبرانیان، بی‌ارزش جلوه دادن کار مسیح است. آه، برزخ به اصطلاح مقام سوم وجود ندارد. طبق آموزه‌های سنتی کاتولیک رومی، فقط کاتولیک‌ها به برزخ می‌رفتند و همه از آن خارج می‌شدند.

جایی نبود که نجات‌نیافته‌ها می‌رفتند. بعد از اینکه مسیحیت ناشناس کارل راینر واتیکان ۲ را تصرف کرد، همه تبدیل به یک مسیحی ناشناس شدند و نوعی جهان‌گرایی امیدوارکننده به وجود آمد. ای بابا، این هم گمراه‌کننده است.

خیلی متأسفم که این را می‌گویم، اما این گمراه‌کننده است و مردم را به جهنمی سوق می‌دهد که آن آموزه آن را انکار می‌کند. آنها مجازات نابودی ابدی را دور از حضور خداوند و از جلال قدرت او متحمل خواهند شد. من قبلاً از مکاشفه ۱۴ گفتم که خدا در جهنم حضور دارد، اما همچنین گفتم که او در همه جا به یک شکل حضور ندارد.

و اینجا، جهنم فقدان خداست. خب، این چطور جور در می‌آید؟ خب، در مکاشفه ۱۴، حضور خدا در جلال، عدالت، تقدس، خشم و مجازات است. اینجا، فقدان خدا برای شیران، فقدان فیض، رحمت، رفاقت و نجات اوست.

این متناقض نیست. آنها به اصطلاح در تاریکی خواهند بود. نکته دیگر اینکه، من تاریکی و جدایی را در کنار هم قرار می‌دهم.

بیرون رانده شدن از ضیافت به معنای جدا شدن از برکات قوم خداست. در اینجا، به صراحت، این متن دلیل خوبی برای این تصور رایج است که جهنم جدایی ابدی از خداست. درست است، به درستی فهمیده شده است، اگرچه این تنها بخشی از تصویر است، اما بخش قدرتمندی از تصویر است.

جهنم از تصویر آتش استفاده می‌کند. آنی هیلیننسم می‌گوید که این درست است. این یک تصویر اولیه است. و از مصرف صحبت می‌کند.

بنابراین، جان استات می‌گوید، وقتی چیزی را در کوره زباله‌سوز می‌اندازید، چه اتفاقی برایش می‌افتد؟ مصرف می‌شود. آیا کتاب مقدس از این مثال استفاده می‌کند؟ خیر. آیا در مورد آتش جهنم به عنوان بلعیدن انسان‌ها صحبت می‌کند تا دیگر وجود نداشته باشند؟ خیر.

من چند قسمت را ارائه می‌دهم و دوباره با چند قسمت کار می‌کنم. متی ۱۸:۸ و ۹. متی ۱۳:۳۰، ۴۰ تا ۴۲، ۴۹ و ۵۰.

لوقا ۱۶، تمثیل مرد ثروتمند و ایلعازر، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸. آن یکی از جهنم نهایی صحبت نمی‌کند، بلکه از جهنم میانی صحبت می‌کند. با این وجود، تصویر آتش، آیا تصویر آتش تغییر می‌کند؟ آیا به معنای رنج یا درد در جهنم میانی و نابودی در جهنم نهایی است؟ من اینطور فکر نمی‌کنم.

در واقع، خلاف این را خواهیم دید. یک بار دیگر. من به متی ۱۸، ۸ و ۹ مراجعه نمی‌کنم.

«متی ۱۳:۴۰ تا ۴۲، ۴۹ و ۵۰. عیسی در پایان چند تا از تمثلهایش می‌گوید:» به کوره آتش انداخته شوید لوقا ۱۶:۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸.

به آنجا بر نمی‌گردیم. درباره حالت میانی صحبت می‌کند، اما نشان می‌دهد. تصاویر آتش از آن صحبت می‌کنند.

من در این آتش در عذاب هستم. سه مکان به دلیل اهمیت آن. متی ۲۵:۴۱.

می‌گویی، چند بار به گوسفند و بز برگشته‌ایم؟ به تو گفتم که این مهم‌ترین بخش کتاب مقدس و سرنوشت ابدی است. بدون هیچ عذرخواهی. در واقع، آیات ۲۵ و ۴۶، به مجازات ابدی منتهی می‌شوند، و عادلان به حیات ابدی، از نظر تاریخی مهم‌ترین آیه در کل کتاب مقدس هستند.

همین صفت، ابدی، مجازات ابدی، حیات ابدی را توصیف می‌کند. در واقع، گاهی اوقات می‌شنوید که هیچ‌کس هرگز حیات ابدی را محدود نکرده است. خب، این در واقع اشتباه است.

وقتی در یک زمینه متخصص می‌شوید، چیزهای عجیب و غریبی مثل این را کشف می‌کنید. ویلیام ویستون، که به عنوان مترجم یوسفوس شناخته می‌شود، از اولین کسانی بود که طرفدار نابودی بود و در این کار ثابت قدم بود. مجازات ابدی تا زمانی ادامه می‌یابد که شریان به خاکستر تبدیل شوند و دیگر وجود نداشته باشند.

دارم به کم شوخی می‌کنم. مجازات ابدی، ابدی. راستش، گفت که کم کم دارن کامنت‌ها و این جور چیزا رو کشف می‌کنن.

شریران در یک کامنت قرار خواهند گرفت و من این را از خودم نمی‌سازم. آنها سوزانده خواهند شد. زندگی ابدی در زمین جدید مدت زیادی طول می‌کشد، اما نه برای همیشه.

این مسخره است. هیچ کس دیگری در کل تاریخ تفسیر، حتی از نظر من، چنین چیزی نگفته است. نه، البته، آنها می‌گویند حیات جاودان، حیات خداست.

EOS ابدی «به معنای» هم‌سن «است، اینطور نیست؟ بله. من هم‌سن او هستم. مدت زیادی است که» دارم.

اوه، پس مجازات ابدی به اندازه عمر است، و زندگی ابدی همین است؟ بله، درست است. اما باید کمی نشان داده شده است، به اندازه عمر است، و همیشه به معنای I own EOS دقیق‌تر باشید. سنی که با ابدیت نیست.

نه، نه. فیلیمون و، من می‌خواهم که تو فیلیمون را پس بگیری. بیایید اونیسیموس را پس بگیریم.

پولس به فیلیمون می‌گوید، نه اکنون به عنوان یک برده، بلکه به عنوان یک برادر برای همیشه. در آن متن، منظور تا آخر عمرش است. البته، من فقط به مدت زمان و سن اشاره می‌کنم.

این معمولاً به معنای چیزی بزرگتر در طول زندگی است که عصر آن توسط جهان گفتمان، یعنی توسط زمینه‌ی بلا فصل، محدود می‌شود. زمینه‌ی عصر آینده چیست؟ این عصر با حیات خود خدا مشخص می‌شود، که در کتاب مکاشفه، برای همیشه و تا ابد تکرار می‌شود. مجازات ابدی، زندگی ابدی پایانی ندارد، اما ما در مورد آتش صحبت می‌کنیم.

متی ۲۵، بازگشت پادشاه عیسی می‌گوید، از من دور شوید، ای کسانی که در آتش ابدی که برای شیطان و فرشتگانش آماده شده، نفرین شده‌اید. آیا کتاب مقدس تا به حال به ما گفته است که این چیست؟ اوه بله. اوه بله.

مکاشفه ۲۰۱۰ دقیقاً به ما می‌گوید که آن چیست. آتش ابدی که برای شیطان آماده شده چیست؟ این چیست. و شیطانی که آنها را فریب داده بود، به دریاچه آتش و گوگرد، جایی که وحش و پیامبر دروغین بودند انداخته شد و آنها تا ابد و ابد، شبانه‌روز عذاب خواهند کشید.

زبانی کاملاً واضح. از من دور شوید، شما به آتش ابدی که برای شیطان و فرشتگانش آماده شده است، نفرین شده‌اید. مکاشفه ۲۰۱۰، به معنای ابدی به معنای عذاب شبانه‌روزی برای همیشه و ابد است.

پرونده مختومه شد. در آن متن، آتش به معنای سوختن نیست. مکاشفه ۱۴۱۰، ما قبلاً به این موضوع پرداخته‌ایم.

بت‌پرست خواهد نوشید. این یک تصویر عهد عتیق است. مثلاً ارمیا ۲۵، چند مزامیر، که من فراموش کرده‌ام.

در روزهای آخر، بت‌پرست شراب خشم خدا را که با تمام قدرت در جام خشم او ریخته شده است، خواهد نوشید. او با آتش و گوگرد عذاب خواهد دید. چه؟ او با آتش خواهد سوخت.

نه، نه، او از بین نخواهد رفت. او عذاب خواهد کشید. این کلمه به معنی تأسف، شکنجه، عذاب است.

او در حضور فرشتگان مقدس با آتش و گوگرد عذاب خواهد شد، و حضور یک بره و دود عذاب آنها تا ابد. بالا خواهد رفت. آها. آن استحال‌گر می‌گوید که آنها نابود شده‌اند.

آنها دیگر وجود ندارند. و دودشان تا ابد به هوا می‌رود. واقعاً؟ من اینطور فکر نمی‌کنم.

هر جا آتش است، دود هم هست. هر جا دود هست، چیزی در حال سوختن است. این تصویری از مصرف نیست.

خدای من. در مورد این چطور؟ دود عذاب آنها تا ابد به هوا می‌رود و آنها شب و روز آرامش ندارند. می‌دانید طرفداران نابودی می‌گویند، اوه بله، تا زمانی که آنها وجود دارند، شما به کتاب مقدس اضافه می‌کنید تا آن را با نظریه خود مطابقت دهید.

نه، متأسفم. من حتی از آن خیلی خوشم نمی‌آید. اوه، من از آنچه خدا می‌گوید خوشم می‌آید، اما غریزه انسانی من این نیست که آن را دوست داشته باشم.

من تسلیم هر چه خدا بگوید هستم، چه آن را انتخاب کنم و چه نکنم. باید اینجا کمی، کمی، کمی نکته را به خودمان گوشزد کنم. ما خدا نیستیم.

ما قوانین را وضع نمی‌کنیم. ما آسمان و زمین را خلق نمی‌کنیم. ما در روز قیامت داور نیستیم.

ما روی صلیب کفاره نمی‌دهیم. خدای من. ما فکر می‌کنیم کی هستیم؟ اوه، من از این خوشم نمی‌آید.

خب، سلیقه‌ات را با کلام خدا هماهنگ کن. آیا واقعاً می‌خواهی دین خودت را بسازی؟ یکی دیگر، پس تصویر آتش به معنای سوختن نیست. به معنای تحمیل درد و رنج وحشتناک برای ابدیت است.

اگر درست بگویم، گریه می‌کنم، و این یعنی نمی‌توانم سخنرانی کنم، پس درست نمی‌گویم. گریه، گریه کردن و دندان قروچه. جالب اینجاست که گریه و دندان قروچه در اشاره به آتش به کار می‌رود.

. متی ۱۳:۴۲ و ۵۰. من حتی قصد ندارم برگردم. فریاد و دندان قروچه با اشاره به آتش به کار رفته است.

آنها به کوره آتش انداخته خواهند شد، جایی که گریه و دندان قروچه وجود دارد. آیا این شبیه سل است؟ نه. به نظر می‌رسد مردم در شوک هستند. آنها گریه می‌کنند.

آنها دندان قروچه می‌کنند تا با چیزی که نمی‌توان با آن کنار آمد کنار بیایند: آتش و تاریکی. ما قبلاً این را در متی ۲۲:۱۳ دیده‌ایم. او را ببندازید، دست و پایش را ببندید و آن حقه‌باز را به تاریکی بیرونی ببندازید، جایی که گریه و دندان قروچه وجود دارد.

آیا من اینجا پیوستگی می‌بینم؟ بله، شما می‌بینید. متی ۸:۱۲. متی ۲۲:۱۳.

متی ۲۵:۳۰. لوقا ۱۳:۲۸. او می‌گوید که گریه و دندان قروچه زیاد است، و اگر کسی بگوید، او، این واقعاً درست است.

تاریکی به معنای واقعی کلمه است. دریاچه آتش، چطور می‌توان تاریکی و آتش را به معنای واقعی کلمه داشت؟ شاید بتوانی آن را عملی کنی. می‌خواهم ببینم که می‌توانی این یکی را هم عملی کنی.

متی ۲۴:۵۱. هیچ‌کس این را به معنای واقعی کلمه نمی‌فهمد. منظورت چیست؟ مگر به جهنم اعتقاد نداری؟ من به جهنم اعتقاد دارم، اما درست مانند به اصطلاح بهشت یا آسمان‌های جدید و زمین جدید، خدا در مورد آن بهشت تصاویری را ترسیم می‌کند تا ما را با بهترین چیزهای دنیای خودمان خوشحال کند تا از دنیای دیگری که نمی‌توانیم به طور کامل تصور کنیم، صحبت کنیم.

برعکس، در مورد جهنم، او عکس می‌گیرد، سنگ آسیابی را دور گردن کسی می‌اندازد و او را به دریای جلیل یا دریای مرده می‌اندازد. این برای ما واقعاً خیلی وحشتناک نیست. ظاهراً برای آنها اینطور بوده است.

آتشی که در هر سنی وحشتناک است. تاریکی بیرونی. غارنوردان به من می‌گویند اگر تا به حال به اندازه کافی در زمین فرو رفته باشید و هیچ منبع نوری نداشته باشید، واقعاً ترسناک است.

آنها آنقدر منابع نور می‌آورند که تمام نمی‌شوند. به هر حال، این یکی نمی‌تواند به معنای واقعی کلمه باشد. متی ۲۴:۵۱.

این از گمشدگانی صحبت می‌کند که کشیده و چهار قسمت می‌شوند و تکه تکه می‌شوند. آیا کسی واقعاً فکر می‌کند که مردم در جهنم تکه تکه می‌شوند؟ اگر اینطور باشد، آیا اصلاً به این کار ادامه می‌دهند؟ این مسخره است. ۲۴:۵۱.

چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ خدا دارد ما را از یاوه‌گویی می‌ترساند. نکته همین است. تصاویر وحشتناکی از دنیای ما. حدس بزنید چه؟ عذاب و درد واقعی و ابدی در دنیای بعدی.

از نظر جسمی، آنها برای رفتن به جهنم برانگیخته می‌شوند. ارباب آن غلام، متی ۲۴:۵۰، در روزی که او انتظار ندارد، خواهد آمد. و در ساعتی که او نمی‌داند.

و او را تکه تکه خواهد کرد و آنها را با ریاکاران در جایی قرار خواهد داد که همانطور که حدس زدید، گریه و دندان قروچه خواهد بود. تصاویر به طور خاص تحت اللفظی نیستند. شاید آتشی هم در کار باشد.

نمی‌دانم. من آماده نیستم که شیمی یا فیزیک جهنم را توضیح دهم، اما به شما می‌گویم که واقعی است، ابدی است و وحشتناک است. مجازات.

متی ۲۵:۴۶ مهم‌ترین آیه است. اینها به عذاب ابدی خواهند رفت.

عشق خدا تمام مجازات‌ها را از بین می‌برد. افرادی که kolosis، همان کلمه‌ای که در اول یوحنا ۴ آمده است توسط خدا به جهنم انداخته می‌شوند، عذاب ابدی را متحمل می‌شوند.

یوحنا ۵، آنها برای رستخیز داوری برانگیخته خواهند شد. دوم تسالونیکیان ۱، آن زبان وحشتناک عذاب الهی. یهودا ۷ از آتش صحبت می‌کند، از مجازات

مکاشفه ۱۰:۱۴ تا ۱۱، همانطور که بارها دیده‌ایم، از مجازات وحشتناکی سخن می‌گوید. طرفداران نظریه نابودی، فرض می‌کنند یا استدلال می‌کنند که مرگ و نابودی باید به معنای واقعی کلمه در نظر گرفته شود. مرگ دوم به معنای انقراض یک موجود است.

نه، اینطور نیست. مرگ در کتاب مقدس هرگز به معنای انقراض نیست. حکم مرگ آدم و حوا چیست؟ آیا آنها نابود شدند؟ نه، آنها نابود نشدند و نابود هم نشدند.

آنها از خدا جدا شده بودند. مرگ جدایی است. جدایی از یاران او.

سپس، جدایی از باغ از روی رحمت، او را بیرون راند. مبادا که آنها برای همیشه در آنجا باشند، ما آن را حالت عادل شمردگی می‌نامیم، بدون اینکه کاملاً جلال یافته باشند، و همچنان گناهکار باشند. خوب نیست.

مرگ جسمانی چیست؟ نابودی؟ نه، جدایی جسم از روح است. مرگ ابدی چیست؟ دریاچه‌ای از آتش است. مجازات ابدی، جدایی ابدی از برکت، جلال، رحمت، فیض و رفاقت خداست.

مکاشفه ۲۰ بارها و بارها از این موضوع صحبت می‌کند. ۲۰:۱۰، این مرگ دوم است، دریاچه آتش. ۲۰:۱۴-۱۵. من قبلاً خیلی سریع به این موضوع اشاره کردم، ۱۵.

جان استات ادعا می‌کند که نابودی دقیقاً همان چیزی است که از اسمش پیدا است. او، بی‌خیال جان. تو یک مترجم شایسته برای کتاب مقدس هستی.

این شایسته‌ی تو نیست. و او حتی به این آیه استناد می‌کند. این یک مشکل است زیرا خلاف آنچه او ادعا می‌کند را نشان می‌دهد.

مکاشفه ۱۷، دو بار در مکاشفه ۱۷، آپولوسیس، نابودی وحش پیشگویی شده است. من فقط می‌خواهم آیات را ارائه دهم. ۱۷-۸، او در شرف برخاستن از چاه بی‌انتهای رفتن به سوی نابودی است، آپولوسیس.

آپولومی فعل و آپولوسیس اسم است. در آیه ۱۱، آن جانوری که بود و نیست، هشتمین است، به آن هفت نفر تعلق دارد و دو بار به هلاکت می‌رسد. نابودی، درست است؟ نه، به هیچ وجه.

در آیه ۲۰ از باب ۱۹ آیه ۱۹ می‌خوانیم که وحش و پیامبر دروغین که در حضور وحش، با انجام نشانه‌هایی کسانی را که نشان وحش را پذیرفته بودند و کسانی را که تصویر او را پرستش کرده بودند، فریب داده بود، اسیر شدند. این دو، وحش و پیامبر دروغین، زنده به دریاچه آتش که با گوگرد می‌سوخند، انداخته شدند. نابودی وحش دو بار در مکاشفه ۱۷: ۸ و ۱۱ پیشگویی شده است.

آنها به دریاچه آتش انداخته می‌شوند. ۲۰-۱۰، شیطان به آنها می‌پیوندد. به این توجه کنید، و ۲۰-۱۹. شیطانی که آنها را فریب داد، به دریاچه آتش و گوگرد انداخته شد، جایی که وحش و پیامبر دروغین بودند.

شیطان، جانور، پیامبر دروغین. شما نمی‌توانید این را صرفاً به شیطان نسبت دهید چون فعل جمع است و آنها روز و شب تا ابد عذاب خواهند کشید. یادم نیست که ضمیر دارد یا نه.

فکر نمی‌کنم. نه، ضمیری وجود ندارد. باسانیزو کلمه‌ای به معنای عذاب دادن یا شکنجه دادن است که در فصل ۱۴ نیز به کار رفته است.

آنها تا آخر عمر، شب و روز عذاب خواهند کشید. این یک زبان مجازی برای همیشه و تا ابد است. هیچ کس با این مخالف نیست.

بسه. قرار نیست همه نجات پیدا کنن. باور کردن همچین چیزی حمافته

و افرادی که گمراه شده‌اند، نابود نخواهند شد تا دیگر رنج نکشند، گویی می‌توانند تاوان گناهان خود را بپردازند. نه، عیسی تاوان هر گناهی را که قرار است در راستای نجات پرداخت شود، پرداخت کرد. گمراهان تاوان گناهان خود را تا ابد خواهند پرداخت.

من این را از روی علاقه به این مفهوم نمی‌گویم، اما ما دین خودمان را نمی‌سازیم. خداوند متعال کسی است که خود را آشکار می‌کند. زمین جدید

در نهایت، زمین جدید. دولت ابدی یک وجود روحانی بی‌جسم در بهشت نیست. بلکه یک وجود جامع رستاخیز یافته در زمین جدید است.

بخش‌هایی از کتاب مقدس، اشعیا ۱۷: ۶۵. من وقت کمی برای انجام کاری بیشتر از خواندن بخش‌ها و بحث در مورد بحثی دارم که به نظر من تا حد زیادی حل شده است. اما تثنیه ۶۵ و ۱۷

زیرا بنگرید، خداوند می‌گوید: من آسمان‌های جدید و زمین جدیدی خواهم آفرید، و چیزهای پیشین به یاد نخواهند آمد و به ذهن نخواهند آمد، بلکه از آنچه من خواهم آفرید، شادمان باشید و تا ابد شادی کنید. زیرا بنگرید، من اورشلیم را برای شادی و قومش را برای شادی خواهم آفرید. این موضوع تا پایان آن باب ادامه دارد.

از تصاویری از مرگ افراد در سنین بسیار بالا استفاده می‌کند، چیزی شبیه به این، که باعث می‌شود طرفداران پیش از هزاره بگویند، آهان، این از عصر طلایی صحبت می‌کند، نه عصر پلاتینی آسمان‌های جدید، زمین جدید. این هزاره قبل از آسمان‌های جدید و زمین جدید است. من در پاسخ به این چه می‌گویم؟ گرگ بیل، به نظر من، به طور مؤثر نشان می‌دهد که مکاشفه ۲۱ دقیقاً همین متن را نقل می‌کند.

و از پادشاهی هزار ساله قبل از آسمان‌ها و زمین جدید صحبت نمی‌کند. ظاهراً این موضوع درست بالای آن در مکاشفه ۲۰ قرار دارد، اما از آسمان‌ها و زمین جدید صحبت می‌کند. این زبان زندگی به قدمت درخت یا هر چیز دیگری است، این زبان استعاری است و نه تحت‌اللفظی.

مکاشفه، اشعیا ۲۲: ۶۶. زیرا خداوند می‌گوید: همانطور که آسمان‌های جدید و زمین جدیدی که من می‌سازم در حضور من پایدار خواهند ماند، همانطور نسل شما و نام شما از ماه نو تا ماه نو، از سبت تا سبت پایدار خواهد ماند، خداوند می‌گوید: تمام بشر برای پرستش به حضور من خواهند آمد. و آنها بیرون خواهند رفت و به اجساد مردگان مردمی که علیه من شورش کردند نگاه خواهند کرد، زیرا گرم آنها نخواهد مرد.

آتش آنها خاموش نخواهد شد و آنها مایه انزجار همه بشر خواهند بود. این سخنان توسط عیسی در انجیل مرقس نقل شده است تا از مجازات ابدی صحبت کند، دقیقاً در آخرین آیه. در واقع، در مراسم مذهبی در کنیسه، آنها نمی‌توانند آن را تحمل کنند.

آنها نمی‌توانند آن را به حال خود رها کنند. در آخرین آیه کتاب اشعیا، آیه بالا در مورد آسمان‌های جدید را دوباره تکرار می‌کنند. آنها نمی‌توانند بگذارند که با چنین نکته منفی‌ای تمام شود.

خب، این‌طوری پیشگویی اشعیا تمام می‌شود. و علاوه بر این، اگر فراموش کنم این را بگویم، سه فصل آخر کتاب مقدس، دو فصل آخر و دو و نیم فصل آخر درباره آسمان‌های جدید و زمین جدید است. اما در فصل ۲۰:۲۱، ۲۲، اشاراتی به جهنم وجود دارد.

برای اینکه جهان شمولی حقیقت داشته باشد، جهان شمولی و نیستی‌گرایی به دلیل اینکه در داستان کتاب مقدس جای نمی‌گیرند، از هم می‌پاشند. خدای خوب با مکاشفه ۲۱ و ۲۲ به پایان رسید. هیچ مکاشفه ۲۳ وجود ندارد که بگوید، و سپس همه وارد شهر شدند.

و همه می‌گویند، نه، چنین چیزی در مکاشفه ۲۳ وجود ندارد. در آن آمده است که شیران بالاخره از بدبختی خود رهایی یافتند و دیگر وجود ندارند. چنین چیزی وجود ندارد.

دو فصل و نیم آخر کتاب مقدس موضوعشان مثبت است: آسمان‌های جدید و زمین جدید. جلال بر بره. اما هر یک از آنها اشاره‌ای به جهنم دارد.

ما نمی‌توانیم داستان را تغییر دهیم تا با سلیقه یا عدم سلیقه ما سازگار شود. 66 از اشعیا به عنوان آسمان‌های جدید و زمین جدیدی که من می‌سازم، در برابر من خواهند ماند. عیسی در متی 19، 28 به طور خلاصه از آسمان‌های جدید و زمین جدید صحبت می‌کند، بدون اینکه از آن زبان استفاده کند.

پطرس می‌گوید، ببین، پروردگارا، ثروتمندان به سختی می‌توانند نجات یابند. فکر می‌کنم شاید او به امثال فکر می‌کند، جایی که خداوند به مرد خردمندی که در راه خداوند گام برمی‌دارد، وعده سعادت می‌دهد. شاید این چیزی است که در ذهن آنهاست، اما چه، چه کسی می‌تواند با مردان نجات یابد؟

برای خدا غیرممکن است. همه چیز ممکن است. پروردگارا، ما همه چیز را رها کردیم و به سوی تو می‌رویم.

آیا واقعاً، به شما می‌گویم در دنیای جدید، به معنای واقعی کلمه در تجدید حیات، وقتی پسر انسان بر تخت باشکوه خود بنشیند، شما که از من پیروی کرده‌اید نیز بر ۱۲ تخت خواهید نشست و ۱۲ قبیله اسرائیل را داوری خواهید کرد؟ من آن را در تجدید حیات ترجمه نمی‌کنم. همین کلمه در تیطوس دوم استفاده شده است. ضمناً، معمولاً آموزه تجدید حیات بدون آن کلمه آموزش داده می‌شود.

این مفهوم ارائه شده است، اما نه آن کلمه در اینجا. این یک مفهوم کیهانی است. جهان جدید، تجدید حیات، تولد دوباره خلقت.

بنابراین، عیسی در این مورد در یک جا صحبت می‌کند. اعمال رسولان باب ۳، آیه ۲۱، فقط یک اشاره دیگر پطرس در مورد احیای همه چیزهایی صحبت می‌کند که خدا مدت‌ها پیش از طریق پیامبران مقدس خود درباره آنها صحبت کرده بود.

اشاره دیگری به وضعیت نهایی امور، آسمان‌های جدید، زمین جدید، رومیان ۸:۲۰ تا ۲۲، ممکن است مهمترین متن باشد. از آن زبان استفاده نمی‌کند، اما مفهوم آن در آن وجود دارد. قبلاً شنیده‌اید که گفتم بدن‌های انسانی ما یک جهان کوچک از کیهان هستند و کیهان، جهان بزرگ بدن‌های ماست.

یعنی، در حالی که در بدن‌های ما، بین بدن فعلی و بدن رستاخیزی، هم پیوستگی و هم گسستگی وجود دارد. در مورد خلقت نیز به همین شکل است. بین خلقت فعلی و خلقت جدید پیوستگی وجود دارد که به نظر من زیربنایی و از همه مهم‌تر است.

من دارم یک طرف بحث را که بعداً در موردش صحبت خواهیم کرد، می‌گیرم. اوه، بحث از این قرار است. یک دیدگاه.

آیا خدا آسمان‌ها و زمین فعلی را نابود خواهد کرد و سپس زمینی جدید خواهد ساخت؟ آیا می‌دانید، همانطور که در همان ابتدا، از هیچ، از هیچ، یا اینکه آسمان‌ها و زمین فعلی را به آسمان‌ها و زمین جدیدی تبدیل خواهد کرد؟ دیدگاه اول با درک دوم پطرس ۳ سازگار است. من فکر نمی‌کنم که این درک درستی از دوم پطرس ۳ باشد. تفسیر تام شریئر بر اول و دوم پطرس، تفسیر کاربردی داگ مو، همسر عاشق تفسیر دوم پطرس است، جایی که می‌توان آن را برداشت کرد.

و این آن را با سایر متون هماهنگ می‌کند، چیزی که من آن را پاکسازی عمیق و ضعیف خلقت می‌نامم که شامل نابودی واقعی آن نمی‌شود. بلکه بازسازی آن است. این پاکسازی است.

این یک تجدید حیات فوق‌العاده است. رومیان ۸ بدن‌های ما، جهان صغیر و کیهان را در یک جهان کبیر قرار می‌دهد. من معتقدم که طبق رومیان ۸:۱۸، رنج‌های زمان حاضر با جلالی که قرار است بر ما آشکار شود، قابل مقایسه نیستند.

می‌توانید آن را برای ما ترجمه کنید. من نمی‌دانم کدام بهتر است، زیرا خلقت با اشتیاق فراوان منتظر آشکار شدن پسران خدا است، زیرا خلقت تسلیم بطالت شد، نه به خواست خود، بلکه به خاطر او، یعنی خدا، به این امید که خود خلقت از قید فساد رهایی یابد و آزادی جلال فرزندان خدا را به دست آورد. توجه کنید که چگونه این دو با هم ادغام شده‌اند.

رستگاری خلقت، گویی مستلزم مشارکت آنهاست. این تجسمی از خلقت در رستگاری ما، آزادی شکوه ماست. این همه لطف برای ماست که بدانیم تمام خلقت تا به حال در درد زایمان با هم ناله می‌کرده‌اند.

ای بابا، این یه کار طولانیه. منظورم این نیست که در تصویرسازی زیاده‌روی کنم. نه تنها خلقت، بلکه خودمون هم می‌بینیم که چه کسی اولین ثمرات روح رو که به صورت درونی رشد کرده، داره.

این دو به هم مرتبط هستند. فعل خوبی است. کیهان و مؤمنان به هم مرتبط هستند.

خلقت ناله می‌کند. ما ناله می‌کنیم. کمی بعد، روح القدس حتی ناله می‌کند، در حالی که ما مشتاقانه منتظر فرزندخواندگی هستیم. یک لحظه صبر کنید.

مگه الان به فرزند پذیرفته نشدیم؟ بله. مگه این آخرین فرزندیمون نیست؟ نه. ما همین الان به فرزند پذیرفته شدیم؛ شما هنوز اون فرزند که هنوز به فرزند پذیرفته نشده رو ندیدید.

خداوند در روز آخر، بزرگترین آغوشی را که تا به حال می‌توانستید تجربه کنید، به ما خواهد داد. ما مشتاقانه منتظر فرزندخواندگی و رهایی بدن‌هایمان هستیم، زیرا با این امید، نجات یافتیم. حال، امیدی که دیده می‌شود، برای کسانی که به آنچه می‌بینند امید دارند، امید نیست.

اما اگر به چیزی که نمی‌بینیم امیدوار باشیم، با صبر منتظر آن می‌مانیم. کلمات «زمین جدید» استفاده نشده‌اند. مفهوم آن به وضوح در اینجا آمده است.

خلقت از اسارت فساد رهایی خواهد یافت. در اوایل مکاشفه ۲۲، دیگر هیچ نفرینی وجود نخواهد داشت. خود زمین از نفرین خود رهایی خواهد یافت.

نمی‌خواهم از بخش دوم پطرس غافل شوم. دوم پطرس ۷:۳، به همان کلام خدا که خلقت و طوفان را به ارمغان آورد، آسمان‌ها و زمینی که اکنون وجود دارند، نه برای آب، بلکه برای آتش ذخیره شده‌اند تا روز داوری و نابودی بی‌دینان حفظ شوند. آیا نمی‌توان از این کلام، مفهوم نیستی‌گرایی را برداشت کرد؟ بله.

آیا باید باشد؟ نه. باید کل کتاب مقدس را در نظر بگیرید. من نمی‌توانم یک کلمه را توصیف کنم.

اما ای عزیزان، از این حقیقت غافل نشوید که نزد خداوند، یک روز چون هزار سال و هزار سال چون یک روز است. خداوند در انجام وعده‌های خود تأخیر نمی‌کند. برخی تأخیر را به حساب می‌آورند، اما او با شما بردبار است، زیرا نمی‌خواهد هیچ یک از شما در خواندن من هلاک شود، بلکه می‌خواهد همه به توبه برسند.

آیا این مربوط به بدعت‌گذاران در فصل دوم است؟ فکر نمی‌کنم. تفسیر ریچارد باکهام از دوم پطرس را مقایسه کنید. او آرزوی رستگاری آنها را ندارد.

او آنها را به جهنم محکوم می‌کند، و از اینکه آنها خیلی وحشتناک هستند خوشحال است. او، حرف من درست است. اما آیا من به پیشنهاد رایگان جهانی خدا به خدا اعتقاد دارم؟ بله.

بله، من این را می‌دانم. متون اثباتی که معمولاً استفاده می‌شوند خیلی خوب نیستند. به نظر من این یکی خیلی خوب نیست، اما من معتقدم که این حس وجود دارد که اراده خدا این است که همه نجات یابند.

بله. موضوع دیگری است برای وقتی دیگر. اما روز خداوند مانند یک دزد خواهد آمد.

سپس آسمان‌ها با غرشی مهیب از بین خواهند رفت و اجرام آسمانی سوخته و محو خواهند شد و زمین و آثاری که بر روی آن است، آشکار خواهد شد. برخی از نسخه‌های خطی می‌گویند که ما سوزانده خواهیم شد. این واقعاً با دیدگاه بازسازی نابودی مطابقت دارد.

یونانی می‌گوید ما پیدا خواهیم شد. مو در تفسیر دوم پتر می‌گوید که این به معنای پیدا شدن به معنای مرئی شدن، آشکار شدن، تقلیل یافتن به عناصر پایه آن است. به عبارت دیگر، اینجاست که من تمیز کردن عمیق منافذ، تمیز کردن تا ریشه یا چیزی شبیه به آن را درک می‌کنم.

ما باید در پرتو آن روز خدا که به خاطر آن آسمان‌ها آتش می‌گیرند و از هم می‌پاشند و اجرام آسمانی در حین سوختن ذوب می‌شوند، زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشیم. این به نظر می‌رسد که زبان نبوی دیدار خدا در داوری است. طبق وعده او، ما منتظر آسمان‌های جدید و زمین جدیدی هستیم که در آن عدالت ساکن خواهد بود.

اگر از تفسیر شریئر و تفسیر مو استفاده کنید، آنها شما را به مقالات و غیره راهنمایی می‌کنند. در این مورد مطالعاتی انجام شده است و من فهرست منابع آن را به خاطر ندارم. مکاشفه ۲۰:۲۱ و ۲۱:۱

سپس آسمانی جدید و زمینی جدید به جای آسمان اول دیدم، و زمین اول از بین رفته بود، و دیگر دریایی وجود نداشت. به این هم اشاره خواهم کرد. آیا این هم به معنای واقعی کلمه است؟ نه، نه، اینطور نیست.

وحش از دریا بیرون می‌آید. در هر دو عهد، دریا به عنوان نمادی از آب‌های متلاطم، تاریک و تهدیدآمیز استفاده شده است. آیا فکر می‌کنید آسمان جدید و زمین جدید به معنای واقعی کلمه هستند؟ بله.

دریا که نه؟ بله. این کتاب مکاشفه است، دوست من. همانطور که پیش می‌رود، شما با زیان اشعیا ۱۷: ۶۵ آشنا می‌شوید، و دنبال کردن زبان اینجا، نشان دهنده‌ی تحقق نهایی وعده‌ی عهد خدا برای خدای قوم خود بودن و با قوم خود بودن است.

همانطور که در مورد حالت میانی گفتیم، آنچه آن را بهتر می‌کند، عمدتاً بودن با خداوند است. آنچه آسمان‌ها و زمین جدید را می‌سازد این است که من با آنها خواهم بود. من خدای آنها خواهم بود.

آنها قوم من خواهند بود. من هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهم کرد. و دوباره، اشعیا ۶۵، من همه چیز را نو خواهم ساخت.

آیا زمین کنونی تجدید می‌شود یا نابود و از نو آفریده می‌شود؟ من با حزقیا موافقم، و نمی‌گویم همه مفسران و متکلمان انجیلی، بلکه اکثریت قریب به اتفاق. و فکر می‌کنم حق با آنهاست. دوم پطرس ۳ دشوار است.

من این را قبول دارم. ما نمی‌خواهیم از توصیه‌های آن برای داشتن زندگی خداپسندانه غافل شویم. من تفسیر کالوین بر دوم پطرس ۳ را به شما توصیه می‌کنم.

در این رابطه، او چیزهایی می‌گوید، مثلاً در مؤسسات، ما آنقدر روی این زندگی تمرکز می‌کنیم که جلال خدا را از دست می‌دهیم. و ما فقط زمینی هستیم و باید آسمانی‌تر باشیم، با داشتن لینگ، که در حالی که زندگی خود را روی زمین می‌گذرانیم، ذهنی آسمانی دارد. این، مقدمه‌ای کوتاه بر آسمان‌های جدید، زمین جدید، دوره ما را به پایان می‌رساند.

من کتاب «کتاب مقدس در آینده» نوشته آنتونی هوکما و فصل برجسته او در مورد آسمان‌های جدید و زمین جدید را تحسین می‌کنم. از صبر و شکیبایی شما در تماشا و گوش دادن به این سخنرانی‌ها متشکرم.

باشد که خداوند شما را برکت دهد و عشق به کلیسای عیسی و امید پرشور به بازگشت پروردگار و ناجی ما، عیسی مسیح، را در شما افزایش دهد. به نام او پایان می‌دهیم. آمین.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس خود در مورد آموزه‌های کلیسا و امور آخر. این جلسه 20 وضعیت ابدی، مجازات ابدی، آسمان جدید و زمین جدید است.